

بررسی دامنه نفوذ، گسترش و دگرگونی معنایی واژه‌های فارسی شطرنج در زبان انگلیسی

فردوس آقاگل‌زاده^۱

دانشگاه تربیت مدرس

حسین داوری^۲

دانشگاه دامغان

چکیده

نفوذ و گسترش شایان توجه واژه‌های زبان فارسی، در ادوار مختلف، در زبان‌های گوناگون، از جمله موضوعات قابل توجه در حوزه ریشه‌شناسی و مطالعات تاریخی است. از جمله زبان‌هایی که در طول تاریخ، به طور غیرمستقیم، وام‌گیرنده واژه‌هایی از زبان فارسی بوده‌اند، می‌توان به زبان‌های اروپایی، و از آن جمله انگلیسی، اشاره کرد. بررسی این دسته از واژه‌ها خود ارائه‌کننده تصویری گویا از فرهنگ، تمدن و رویدادهای اجتماعی و تاریخی ایران‌زمین است. بنابراین، در این مقاله، با بهره‌گیری از پیکره حاصل از بررسی جامع ریشه‌شناختی واژه‌های فارسی در زبان انگلیسی، با شیوه‌ای توصیفی - تحلیلی، به طور مشخص به سیر انتقال و گسترش شگرف چهار واژه فارسی بازی شطرنج در زبان انگلیسی پرداخته می‌شود. نتیجه حاصل نه‌تنها تصویری از دامنه نفوذ این واژه‌ها را ترسیم می‌نماید، بلکه ابعادی ارزشمند از دگرگونی‌های معنایی و آوایی را در این دسته از واژه‌های قرضی آشکار می‌سازد.

کلیدواژه‌ها: ریشه‌شناسی، دگرگونی معنایی، زبان فارسی، زبان انگلیسی، واژه‌های قرضی.

1. aghagolz@modares.ac.ir

2. h.davari@du.ac.ir

۱- مقدمه

گسترش واژه‌های فارسی، در دوره‌های مختلف زمانی، در زبان‌های گوناگون از جمله موضوعات درخور توجهی است که گستره ابعاد و زوایای آن تنها در سایه پژوهش‌ها و بررسی‌های دقیق ریشه‌شناختی روشن می‌شود. نکته درخور تأمل، در خصوص این دسته از واژه‌ها، به دامنه نفوذ و گسترش آنها باز می‌گردد، به طوری که، بر اساس پژوهش‌های موجود، نه تنها زبان‌های بسیاری پذیرای این دسته از واژه‌ها بوده‌اند، بلکه دامنه گسترش آنها نیز به حدود مرز جغرافیایی خاصی محدود نشده است و در نتیجه رویدادها و تحولات اجتماعی و تاریخی با گسترش جغرافیایی شگرفی همراه بوده‌اند، به طوری که به استناد سرکاراتی (۱۳۷۷: ۳۸) در این باره می‌خوانیم:

"دامنه نفوذ، انتشار و گسترش لغات دخیل ایرانی و فارسی از چنان وسعتی برخوردار است که واقعاً شگفت‌آور می‌نماید. از برمه و مالزی و چین در شرق گرفته تا مجارستان و فنلاند و بریتانیا در غرب، از دشت‌های جنوبی روسیه و اقصی نقاط آسیای مرکزی و قفقاز در شمال گرفته تا خلیج بنگال هند و اندونزی در جنوب، هر جا که می‌رویم، با واژه‌هایی برگرفته و دخیل فارسی برخورد می‌کنیم. شمار زیادی از لغات ایرانی و فارسی، طی قرون و ادوار، در زبان‌های آرامی، سریانی، عربی، ارمنی، گرجی، ترکی، هندی، چینی، و به طور غیرمستقیم، در برخی زبان‌های اروپایی راه یافته‌اند."

اگرچه، به طور خاص، از قرن نوزدهم میلادی به بعد، در سایه پژوهش‌های متعدد زبان‌شناسان و ریشه‌شناسان غالباً اروپایی، در حوزه خانواده‌های مختلف زبانی، و از آن جمله زبان‌های هندواروپایی و به خصوص زبان‌های شاخه هندوایرانی، عمدتاً به طور غیرمستقیم به ابعدی از گسترش واژه‌های فارسی در زبان‌های مختلف پرداخته شده است، اما پراکندگی و تعدد این پژوهش‌ها از جمله موانع موجود در راستای نظم‌بخشیدن به این دسته از یافته‌هاست. از سویی دیگر، بررسی واژه‌های فارسی، در زبان‌های دیگر، بیانگر آن است که بخش قابل توجهی از این واژه‌ها به نحوی با تمدن و فرهنگ ایران زمین و فارسی‌زبانان این مرزوبوم گره خورده است و از این رو پرداختن به این موضوع می‌تواند علاوه بر مطالعه‌ای زبان‌شناختی، روشنگر ابعدی از زوایای حیات اجتماعی، فرهنگی، هنری و تاریخی ایرانیان باشد. بی‌تردید

بررسی این موضوع می‌تواند به بخشی مهم در حوزه مطالعات زبان‌شناختی تبدیل شود. همچنین به استناد سرکاراتی (همان)، در خصوص ضرورت ریشه‌یابی این دسته از واژه‌ها می‌خوانیم:

"این گونه واژه‌های فارسی، که در چهارسوی گیتی پراکنده‌اند، پیک‌های گمنام ولی گویای تمدن، زبان و فرهنگ ایران‌اند و باید هر کجا که هستند، به هر وسیله‌ای که باشد، آنها را با درایت و دقت گردآوری کرد و درباره‌ی معنا و ریشه آنها به بررسی پرداخت."

بررسی آثار و مطالعات موجود در این خصوص، حکایت از آن دارد که تاکنون عمده توجه این پژوهش‌ها محدود به زبان‌هایی چون عربی، ترکی یا اردو بوده است که از لحاظ جغرافیایی با زبان فارسی قرابت دارند و کمتر شاهد مطالعاتی دقیق، مستند و علمی در خصوص دیگر زبان‌های اروپایی هستیم. از این رو این نوشتار بر آن است تا از منظری نسبتاً متفاوت تنها به بررسی دامنه ورود، گسترش و دگرگونی معنایی واژه‌های فارسی شطرنج در زبان انگلیسی بپردازد، گسترش و دگرگونی معنایی شگفت‌آوری که بی‌شک خود شاهدهی است گویا از پویایی زبان در گستره زمان و نشانی بارز از شگفتی‌های این توانایی بشری.

۲- روش پژوهش

همان‌طور که اشاره شد، دامنه نفوذ و گسترش واژه‌های فارسی، در زبان‌های مختلف و از آن جمله زبان‌های اروپایی، موضوعی در خور توجه است که می‌تواند باب جدیدی در سیر پژوهش‌های زبان‌شناختی بگشاید. در این بررسی، که به نحوی موضوعی و به شیوه‌ای توصیفی-تحلیلی به جریان ورود، گسترش و دگرگونی معنایی واژه‌های فارسی شطرنج در زبان‌های اروپایی اختصاص یافته، فرهنگ‌ها و مراجع معتبر و نیز پژوهش‌هایی مستدل در این حوزه، اساس کار بوده است.

یادآوری می‌گردد که در این نوشتار، ضمن معرفی واژه در زبان مبدأ و مقصد، به معنا و دامنه کاربرد آن در زبان فارسی، سیر انتقال، زبان‌های واسط، تغییرات آوایی، دگرگونی‌های معنایی و نیز دامنه نفوذ و گسترش آن در زبان انگلیسی اشاره می‌شود. همچنین با هدف نشان دادن میزان گسترش و دگرگونی‌های معنایی شکل‌گرفته پیرامون این واژه‌ها، به اجمال به

ذکر نمونه‌هایی از ترکیب‌ها، اشتقاق‌ها و اصطلاح‌های مرتبط به این واژه‌ها، در زبان مقصد، اشاره خواهد شد.

* شاه

در گذشته «شاه» در شطرنج، در دو معنا کاربرد داشته است. نخست، مهره‌ای که مهم‌ترین مهره این بازی است. و این معنا کماکان در فارسی کاربرد دارد.

اما دیگر معنای این واژه در شطرنج، که امروزه دیگر در فارسی کاربرد ندارد، عبارتی ندایی بوده که در گذشته آن را «کشت کردن» می‌گفته‌اند و امروزه آن را «کیش دادن» می‌خوانیم. در خصوص این معنا رجوع به فرهنگ‌های معتبر قدیم فارسی راهگشاست.

در برهان قاطع ذیل مدخل «شاه» می‌خوانیم:

"... و کشت کردن شاه شطرنج را نیز گفته‌اند و کشت به کسر کاف، به اصطلاح شطرنج‌بازان آن است که مهره‌ای از مهره‌های شطرنج را در خانه‌ای گذارد که بحسب حرکت آن مهره شاه در خانه او نشسته باشد و شاه خوانند یعنی برخیز از خانه من".

در فرهنگ رشیدی نیز ذیل این واژه می‌خوانیم:

"... و کشت کردن شاه شطرنج را، بهالدین زنجانی گوید:

شاه نطع آسمان هنگام کشت امتحان

مات گردد در زبان گر گوید او را شاه شاه "

بررسی ورود این واژه در معنای دوم خود به زبان انگلیسی، بیانگر گسترش و دگرگونی معنایی شگرفی است. به استناد شماری از فرهنگ‌های برجسته انگلیسی همچون^۱WTI،^۲RHW،^۳ORG،^۴OED،^۵AHD،^۶SOD،^۷CDE،^۸EON و^۹CHD، در خصوص سیر

1. Webster Third International Dictionary (1986)
2. Random House Webster's (1998)
3. Origins: An Etymological Dictionary of Modern English (1991)
4. The Oxford Dictionary of English Etymology (2003)
5. The American Heritage Dictionary (1997)
6. The New Shorter Oxford Dictionary (1993)
7. Concise Dictionary of English Dictionary (1993)
8. www.etymonline.com
9. Chambers Dictionary of Etymology (2005)

انتقال این واژه به زبان انگلیسی، که ورود آن به انگلیسی میانه، و به طور خاص، به سال های ۱۳۲۰ - ۱۳۱۰م. بازمی‌گردد، می‌خوانیم:

[فارسی: *shâh* (=شاه) < عربی: *shah* < فرانسوی باستان: *eschés* < انگلیسی میانه:

chek/ chekke < انگلیسی: *check*]

اما واژه دخیل در زبان مقصد را می‌توان از دو منظر بررسی کرد. ابتدا در خصوص معانی واژه *check* که می‌توان در سه مقوله اسم، فعل و شبه‌جمله به آن پرداخت:

* check

* [اسم] ۱. (در شطرنج) کیش / ۲. جلوگیری، ممانعت / ۳. بازبینی، بررسی، کنترل.

* [شبه جمله]. (در شطرنج) کیش.

* [فعل] ۱. (در شطرنج) کیش دادن / ۲. بازبینی کردن، کنترل کردن / ۳. بازداشتن، مانع شدن.

بررسی معانی این وام‌واژه در زبان انگلیسی، که کلیه فرهنگ‌های معتبر اروپایی، بی‌هیچ اختلاف نظری، ریشه آن را واژه فارسی «شاه» برشمرده‌اند، بیانگر آن است که این واژه در زبان مقصد علاوه بر حفظ معنای اولیه خود در زبان مبدأ، با دگرگونی معنایی گسترده و قابل توجهی همراه شده است، به نحوی که علاوه بر حفظ کاربرد در قالب عبارتی ندایی، به شکل اسم و فعل نیز کاربرد یافته و سپس به زبان‌های بسیاری راه یافته است، به طوری که حتی در معنای بازبینی و کنترل کردن، به شکل واژه‌ای ظاهراً دخیل، به فارسی راه یافته است.^۱ همچنین این واژه در ترکیب‌ها، اصطلاحات و عبارات و اشتقاق‌های متعددی در زبان انگلیسی راه یافته است که از آن جمله می‌توان به مواردی چون *check sth off* (=تیک زدن، علامت گذاشتن)، *check on sth/sb* (=بررسی کردن درباره)، *make a check on* (=بازدید کردن)، *keep/hold in check* (=مهار کردن)، *check-up* (=بازدید، کنترل) و ده‌ها مورد دیگر اشاره کرد.

۱. در خصوص واژه‌هایی از این دست، مطالعه مقاله "واژه‌هایی به‌ظاهر دخیل، اما اصیل"، نگاشته آقاگل‌زاده و داوری (۱۳۸۶) پیشنهاد می‌شود.

اما دامنه دگرگونی معنایی این واژه به این جا محدود نشده است، به طوری که می‌توان به واژه *cheque/check*، که در معنایی کاملاً متفاوت، یعنی «چک» یا همان سند رایج در امور بانکی، اشاره کرد. به استناد کلیه فرهنگ‌های انگلیسی، ریشه این واژه نیز همان واژه فارسی «شاه» است که در قرن‌های بعد در این زبان شکل گرفته است. در خصوص این تغییر معنایی، نسبت به اصل آن در زبان فارسی، یعنی واژه «شاه»، که واژه پیشین نیز برگرفته از آن است، به استناد فرهنگ‌های *WTI* و *CHD* درمی‌یابیم که پس از ورود غیرمستقیم واژه فارسی به زبان انگلیسی، در همان معنای «کیش دادن» در شطرنج، این واژه با نوعی گسترش معنایی همراه شده است، به طوری که در معنای توقف ناگهانی یا رویداد مخالف کاربرد یافته و سپس از آغاز قرن هجدهم، ابتدا به معنای عملی در مقابله با ضرر یا سرقت به کار رفته و سپس به حوزه‌های مالی و بانکداری راه یافته است. همچنین فرهنگ *AHD* نیز با طرح این موضوع یادآور این مسئله می‌شود که به دنبال تحول پیچیده معنایی این واژه در انگلیسی، که ابتدا به معنای کیش دادن شاه شطرنج بوده است، این واژه با گسترش معنایی همراه شده و به مفهوم اطمینان از صحت و اعتبار چیزی کاربرد یافته است. از جمله معانی اولیه آن پس از این دگرگونی معنایی «ته‌رسید» یا همان «ته‌چک» بوده، که صادرکننده به‌عنوان نشانه‌ای برای صحت و سندیت چک، آن را پیش خود نگهداری می‌کرده است. این واژه مجدداً با گسترش معنایی همراه شده و در معنای چک، قبض و رسید کاربرد یافته است. به علاوه در ترکیب‌ها و اصطلاح‌های متعددی کاربرد یافته است که از آن جمله می‌توان به مواردی چون *check/cheque book* (=دسته‌چک)، *cheque card* (=چک کارت)، *chequered* (=شطرنجی، پیجازی / پرفرازو نشیب)، *checking account* (=حساب جاری)، *traveler's cheque* (=چک مسافرتی) اشاره کرد.

یادآوری می‌گردد که فرهنگ‌های برجسته فارسی، همچون معین و سخن، ضمن فارسی برشمردن ریشه واژه «چک» متأثر از شباهت آوایی این واژه با واژه قدیمی «چک» در فارسی، که به معنای سند و قباله بوده است، به اشتباه این دو واژه را مرتبط با یکدیگر برشمرده اند (آقاگل‌زاده و داوری، ۱۳۸۶).

اما دامنه دگرگونی معنایی این واژه به اینجا محدود نمی‌شود و ردپای خاستگاه آن، یعنی بازی شطرنج را، می‌توان در این واژه‌ها مشاهده کرد:

*check

* [اسم] نقش شطرنجی، پارچه شطرنجی، طرح چهارخانه، پارچه پیچازی.

*checked

* [صفت] شطرنجی، چهارخانه، پیچازی.

از دیگر واژه‌های برگرفته از این واژه قدیمی فارسی در زبان انگلیسی، می‌توان به واژه معروف و پرکاربرد chess (= شطرنج) اشاره کرد که، به استناد فرهنگ‌های انگلیسی مذکور، در خصوص ریشه و سیر انتقال آن می‌خوانیم:

[فارسی: *shâh* (=شاه) < عربی: *shah* < فرانسوی باستان: *esches* < انگلیسی میانه:
ches < انگلیسی: chess]

اما درباره تغییر آوایی واژه، در سیر انتقال خود، یادآوری این نکته ضروری می‌نماید که این واژه در زبان فرانسوی با پدیده واکنش‌اندازی^۱ همراه شده و سپس با شکل آوایی و معنایی جدید خود، در نیمه دوم قرن دوازدهم، پیش‌تر از واژه هم‌ریشه خود، یعنی *check*، به زبان انگلیسی راه یافته است. این واژه نیز در ترکیب‌های متعددی به کار رفته است، که از آن جمله می‌توان به این موارد اشاره کرد: *chessboard* (=صفحه شطرنج)، *chessman* (= مهره شطرنج)، *chess player* (= شطرنج باز)، *chessmaster* (استاد شطرنج)، *chess addict* (خوره شطرنج) و *play chess* (= شطرنج بازی کردن).

* شهمات

«شهمات» یا «شاهمات» از جمله واژه‌های قدیمی در فارسی است که شکل‌گیری آن به بازی شطرنج باز می‌گردد. این واژه ترکیبی از «شاه»، یعنی مهم‌ترین مهره شطرنج و «مات» به معنای حیران، گرفتار و سرگردان است، که اشاره به حالت مغلوب‌شدن در بازی شطرنج دارد، و این

۱. *aphasis*: به افتادن واکنش در آغاز واژه اطلاق می‌شود. به‌عنوان نمونه، واژه فرانسوی *esches*، که صورت جمع *eschec* است، در سیر انتقال به انگلیسی میانه، با افتادن واکنش آغازین همراه شده و سپس در سیر انتقال، خوشه همخوانی *-sch* به *-ch* تبدیل شده است.

همان حالتی است که امروزه آن را در این بازی «کیش» می‌خوانیم. در آثار منظوم گذشتگان در خصوص کاربرد این واژه داریم:

بسی بازی ببینی از پس و پیش ولی آخر فرو مانی به شهمات
 {عطار: نقل از انوری، ۱۳۸۲: ۵/۴۶۲۴}
 از اسب پیاده شو بر نطع زمین رخ نه زیر پی پیلش بین شهمات شده نعمان
 {خاقانی: نقل از دهخدا، ۱۳۷۷: ۱۰/۱۴۶۲۴}

بررسی ورود این واژه به زبان انگلیسی و مقایسه معانی اصلی و مجازی آن در دو زبان و گسترش و دگرگونی آن در زبان مقصد، درخور توجه است. به استناد فرهنگ‌های متعدد انگلیسی و از آن جمله WTI, RHW, ORG, OED, SOD, CDE, EON و CHD درباره سیر انتقال این واژه می‌خوانیم:

فارسی: *shahmât* (= شهمات) < عربی: *shahmât* < فرانسوی باستان: *eschec mat* < انگلیسی میانه: *checkmat* < انگلیسی: *checkmate*

و در خصوص مقوله و معانی این واژه در زبان انگلیسی می‌خوانیم:

* *checkmate*

* [اسم] ۱. (در شطرنج) کیش و مات، مات، شهمات / ۲. [مجازی] شکست، شکست مطلق، بن‌بست.

* [شبه‌جمله]. (در شطرنج) کیش مات، شهمات.

* [فعل] ۱. (در شطرنج) کیش و مات کردن، شهمات کردن / ۲. [شخص] شکست دادن، به زانو درآوردن / [طرح و نقشه] متوقف کردن، برهم زدن، نقش بر آب کردن.

نکته قابل توجه در خصوص این واژه آن است که اگرچه تنها معنای اولیه آن، یعنی معنای رایج آن در بازی شطرنج، به زبان انگلیسی انتقال یافته است، اما این واژه در زبان مقصد دقیقاً

معانی مجازی واژه شهمات در فارسی را یافته است. رجوع به فرهنگ‌های فارسی در خصوص معانی مجازی این واژه راهگشا است:

در فرهنگ *آندراج* (پادشاه، ۱۳۶۳)، ذیل مدخل شهمات در مورد معنای مجازی آن می‌خوانیم:

- کنایه از نیست‌شدن و استیصال و شکست خوردن باشد.

در لغت‌نامه در این باره می‌خوانیم:

- مجازاً مغلوب کردن:

" و هر منصوبه که شناخت می‌بخت تا شاهزاده را شهمات کند." (ظهیری

سمرقندی، ۱۳۴۸)

بررسی این واژه در زبان انگلیسی نیز دقیقاً بیانگر آن است که این واژه در معنای اسمی خود اشاره به شکست یا شکست مطلق و در معنای فعلی نیز مجازاً حکایت از شکست دادن و به زانو درآوردن دارد.

از دیگر موارد مرتبط با این واژه در زبان انگلیسی می‌توان به شکل‌گیری واژه *stalemate*، که خود حاصل تلفیق واژه *stale* (=خسته و یا یکنواخت شدن) با قسمت دوم واژه *checkmate* است، اشاره کرد، که در بازی شطرنج به معنای پات و پات‌کردن و در معنای مجازی خود: بن‌بست و به بن‌بست کشانیدن است. بررسی ریشه‌شناختی این واژه، در فرهنگ‌های انگلیسی، بیانگر آن است که این واژه در اواسط قرن هجدهم در این زبان شکل گرفته و سپس با گسترش معنایی همراه شده و در این زبان معنایی مجازی یافته است.

* مات

«مات»، از جمله واژه‌های قدیمی در فارسی است که به حالتی اطلاق شده که شاه شطرنج در شرایطی قرار می‌گیرد که دیگر از حرکت باز می‌ماند و نشان از پیروزی طرف مقابل و ختم بازی دارد. این واژه در گذشته هم در قالب شبه‌جمله و هم در قالب اسم کاربرد داشته، که در حالت دوم کاربردی مجازی و عمدتاً به معنای شکست بوده است. به‌عنوان نمونه در این باره در آثار گذشتگان داریم:

من چو ابرم تو زمین موسی نبات حق شه شطرنج و ما ماتیم مات

{مولوی: نقل از معین، ۱۳۶۰: ۲۵۱۵/۴}

ما چو شطرنجیم اندر برد و مات برد و مات ما زتوست ای خوش صفات
 { مولوی: نقل از انوری، ۱۳۸۲: ۶۴۹۵/۷ }

اما در خصوص سیر انتقال این واژه به زبان انگلیسی، به استناد فرهنگ‌های مختلف، و از آن جمله CDE و WTI, RHW, ORG, OED, SOD می‌خوانیم:

[فارسی: *mât* (= مات) < عربی: *mât* < فرانسوی باستان: *mat* < انگلیسی میانه :

maten < انگلیسی: *mate*]

و در خصوص معنای این واژه در زبان مقصد:

* *mate*

* [اسم] ۱. (در شطرنج) مات، کیش و مات، شهمات.

* [شبه‌جمله]. (در شطرنج) مات، کیش و مات، شهمات.

* [فعل] ۱. (در شطرنج) مات کردن، کیش و مات کردن، شهمات کردن.

البته در بین فرهنگ‌های انگلیسی، EON واژه انگلیسی *mate* را صورت کوتاه‌شده فعل *checkmate* در این زبان دانسته است. اما در این خصوص یادآوری این نکته ضروری می‌نماید که رجوع به سیر انتقال این واژه نشان‌دهنده آن است که این واژه در فرانسوی باستان و انگلیسی میانه، که مشخصاً به سال‌های ۱۲۲۵-۱۱۷۵ م. باز می‌گردد، به همین شکل بوده و در این قالب به انگلیسی نو راه یافته است. که این موضوع دلیلی بر رد نظر مذکور است.

این واژه نیز در ترکیبات متعددی در زبان انگلیسی کاربرد یافته است، که از آن جمله می‌توان به اصطلاحاتی تخصصی در بازی شطرنج، همچون *fool's mate* (= شرایطی که بازیکن سفید در دومین حرکت، طرف مقابل را مات می‌کند)، *scholar's mate* (= شرایطی که بازیکن سیاه در چهارمین حرکت طرف مقابل مات می‌شود) و *self mate* (= حالتی که بازیکن کیش شده بتواند با حرکتی دفاعی طرف مقابل را مات کند) اشاره کرد.

* رُخ

«رُخ» واژه‌ای قدیمی در فارسی است که در بازی شطرنج به مهره‌ای مهم اشاره دارد. در آثار

منظوم گذشته داریم:

پیاده بدانند و پیل و سپاه
رخ و اسب و رفتار فرزین شاه
{فردوسی: نقل از دهخدا، ۱۳۷۷: ۱۱۹۶۲/۸}
تا چه بازی رخ نماید بیدقی خواهیم راند
عرصه شطرنج رندان را مجال شاه نیست
{فردوسی: همان}

اما در خصوص علت نام‌گذاری این واژه، در بازی شطرنج، به این نام، به استناد فرهنگ‌های معتبر فارسی درمی‌یابیم که این واژه موسوم به مرغ افسانه‌ای «رخ» است، و آن پرنده‌ای است که در اساطیر ایرانی و شرقی برایش توانایی‌هایی عجیب ذکر کرده‌اند.^۱

- در *غیاث اللغات* (رامپوری، ۱۳۶۳)، ذیل مدخل رخ می‌خوانیم:

"..... بالضم نام مرغیست عظیم که فیل و کرگدن را می‌رباید و بالا می‌برد و به

مشابهت آن نام مهره شطرنج است که از دور مهره را می‌زند".

- در فرهنگ رشیدی (حسینی، ۱۳۳۷)، نیز در این خصوص می‌خوانیم:

"..... و بالضم رخسار و مرغیست عظیم و مهره شطرنج بود به شباهت بدان مرغ.

عنصری (به نقل از داعی‌الاسلام، ۱۳۶۲) گوید:

شطرنج جمال را تو شاهی با رخ
مر اسب کمال را رکابی با رخ

- در *برهان قاطع* (تبریزی، ۱۳۷۶) هم در این باره داریم:

" و نام جانوریست که او نیز مانند عنقا در خارج وجود ندارد، و آنچه گویند که

فیل و کرگدن را طعمه بچه‌های خود می‌کند، غلط و دروغ است و یک مهره از

شطرنج به نام او موسوم است".

با مراجعه به فرهنگ‌های انگلیسی همچون RHW, SOD, AHD, WTI, ENC^۲ و

ORG در خصوص سیر انتقال این واژه به زبان انگلیسی می‌خوانیم:

۱. یادآوری می‌شود که واژه "رخ" در معنای این مرغ افسانه‌ای نیز به زبان انگلیسی راه یافته و به شکل IOC کاربرد دارد.

2. Encarta World English Dictionary (2000)

[فارسی : *rokh* (رخ) < عربی : *rokhkh* < فرانسوی باستان : *roc* < انگلیسی میانه : *rok* < انگلیسی : *rook*]

در بین فرهنگ‌های انگلیسی نیز WTI, ORG و RHW دقیقاً، در خصوص نام‌گذاری این واژه در شطرنج به این نام، قایل به نظر فرهنگ‌های فارسی هستند. البته این واژه در زبان مقصد بدون هیچ‌گونه دگرگونی معنایی، تنها به شکل معنای ریشه آن در فارسی کاربرد دارد. در ضمن به استناد RHW، ورود این واژه به زبان انگلیسی، همانند سه واژه پیشین، در دوره انگلیسی میانه، و به طور مشخص‌تر، به سال‌های ۱۳۵۰-۱۳۰۰ م. باز می‌گردد.

۳- نتیجه‌گیری

همان‌طور که اشاره شد، گستردگی و دامنه نفوذ واژه‌های فارسی در زبان‌های مختلف، موضوعی قابل توجه است که بررسی آن، علاوه بر اینکه موضوعی ارزشمند است، در مطالعات زبان‌شناختی می‌تواند تصویری نو و گویا از فرهنگ، تمدن و زندگی اجتماعی ساکنان این سرزمین ارائه دهد. از منظری دیگر، بررسی دامنه تغییرات آوایی و معنایی این دسته از واژه‌ها، چه در سیر انتقال خود در زبان‌های واسط و چه در زبان مقصد، می‌تواند باب جدیدی در حوزه مطالعات زبان‌شناسی تاریخی بگشاید. نمونه‌ای از این پدیده در خصوص واژه‌های فارسی بازی شطرنج، در این نوشتار، مورد بررسی و تحلیل قرار گرفت.^۱

از سوی دیگر، همان‌گونه که در مقدمه آمد، دامنه گسترش واژه‌های فارسی به زبان‌هایی معدود و یا خاص محدود نشده است و ردپای آن را می‌توان در زبان‌های بسیار و در جغرافیایی گسترده مشاهده کرد. به‌عنوان نمونه، بررسی اجمالی همین واژه‌های بررسی‌شده در این نوشتار، که دامنه آن به زبان انگلیسی خلاصه شده، در دیگر زبان‌های اروپایی نیز گسترش قابل توجهی دارند.^۲

۱. به استناد فرهنگ WTI، واژه فرزین، که در قدیم معنای مهره وزیر در شطرنج داشته، نیز در قالب واژه *fers* در انگلیسی کاربرد یافته، که امروز در این زبان منسوخ شده است. در خصوص سیر انتقال این واژه می‌خوانیم: [فارسی : *farzin* (= فرزین) < عربی : *farzan* < فرانسوی باستان : *fierse* < انگلیسی میانه : *fers* < انگلیسی : *fers*].

۲. تنها به‌عنوان نمونه می‌توان به واژه "شهمات"، یا صورت دخیل آن در زبان انگلیسی، یعنی *checkmate*، اشاره کرد، که امروزه در فرانسوی: *chec et mat*، در آلمانی: *schachmatt*، در ایتالیایی: *scaccomatto*، در فنلاندی: *shakata*، در مجاری: *sakk matt*، و در قالب واژه‌های دخیل با ریشه فارسی کاربرد گسترده‌ای دارد.

امید است این دسته از پیک‌های گمنام، اما گویای فرهنگ و تمدن ایران زمین، با دقت و درایت پژوهندگان و ریشه‌شناسان شناخته و از ابعاد گوناگون به مطالعه و بررسی آن‌ها پرداخته شود تا در این گذر، حوزه‌ای بدیع و گران‌سنگ در مطالعات زبان‌شناختی خلق گردد.

منابع

- آقاگل‌زاده، فردوس و حسین داوری (۱۳۸۶). "واژه‌هایی به‌ظاهر دخیل، اما اصیل"، *دوفصل‌نامه پژوهش زبان و ادبیات فارسی*. دوره جدید، ش ۹، ۱۷۷-۱۵۹.
- انوری، حسن (۱۳۸۲). *فرهنگ سخن*. چ ۲. تهران: سخن.
- پادشاه، محمد (۱۳۶۳). *فرهنگ جامع فارسی (آندراج)*. زیر نظر محمد دبیر سیاقی. چ ۲. تهران: انتشارات خیام.
- تبریزی، محمدحسین بن خلف (۱۳۷۶). *برهان قاطع*. به اهتمام محمد معین. چ ۶. تهران: امیرکبیر.
- حسینی، عبدالرشیدین عبدالغفور (۱۳۳۷). *فرهنگ رشیدی به‌ضمیمه معربات رشیدی*. به کوشش محمد عباسی. تهران: انتشارات بارانی.
- داعی‌الاسلام، محمدعلی (۱۳۶۲). *فرهنگ نظام*. تهران: انتشارات دانش.
- دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۷). *لغت‌نامه*. چ ۲. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- رامپوری، غیاث‌الدین محمد (۱۳۶۳). *غیاث‌اللغات*. به کوشش منصور ثروت. چ ۱. تهران: امیرکبیر.
- سرکاراتی، بهمن (۱۳۷۷). "درباره فرهنگ ریشه‌شناختی زبان فارسی و ضرورت تدوین آن". *نامه فرهنگستان*. س ۴، ش ۱، ۷۲-۲۱.
- ظهیری سمرقندی، محمدبن علی (۱۳۴۸). *سندبادنامه*. به کوشش احمد آتش، استانبول: بی‌نا.
- معین، محمد (۱۳۶۰). *فرهنگ معین*. چ ۴. تهران: امیرکبیر.

- Barnhart, R. (2005). *Chambers Dictionary of Etymology*. Chambers Harrap Publishers. (CHD)
- Brown, L. (1993). *The New Shorter Oxford English Dictionary*. (2vol). Clarendon Press. (SOD)
- Grove, Ph. (1986). *Webster's Third International Dictionary*. (3vols). Merriam Company. (WTI)

- Kleindler, S. (1997). *The American Heritage Dictionary*. Dell Publishing.
(AHD)
- Onions, C. T. (2003). *The Oxford Dictionary of English Etymology*. Oxford University Press. (OED)
- Partridge, E. (1991). *Origins: An Etymological Dictionary of Modern English*. Routledge. (ORG)
- Rooney, K. (2000). *Encarta World English Dictionary*. St. Martin's Press.
(ENC)
- Skeat, W. (1993). *Concise Dictionary of English Etymology*. Wordsworth Editions Ltd. (CDE)
- Stein, M. J. (1998). *Random House Webster's*. Random House Group. (RHW)
- www.etymonline.com (EON)